



یادداشت

چرا کارگران باید در امور سیاسی فعال شوند؟ صادق کار



در هفته گذشته در میانه اعتصاب هفت تپه پس از آنکه همه تلاشهای حکومتی و دولتی برای شکستن اعتصاب کارگران هفت تپه بواسطه هوشیاری کارگران اعتصابی بی نتیجه ماند. ادامه این تلاشها به کمیسیون اجتماعی مجلس واگذار شد. "علی ساری" نماینده اهواز و از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس، از طرف کمیسیون اجتماعی از کارگران دعوت کرد تا برای بررسی مشکلات شان نمایندگانی را به مجلس بفرستند. شورای تامین شهر شوش که درماندگی در شکستن اعتصاب را کسر شان خودش می دانست و مایل به تبدیل اعتصاب و هفت تپه به یک مسئله سراسری نبود کوشید مانع بر سر راه کارگران اعزامی بوجود آورد و با کمک نیروهای امنیتی برای جلوگیری از ملاقات نمایندگان کارگران با کمیسیون مجلس دستور بازداشت و بازگرداندن کارگران را در نیمه راه سفرشان به تهران داد.

کارگران بهر حال در فرصتی دیگر توانستند با کمیسیون اجتماعی مجلس ملاقات کنند. در این ملاقات هم تنها چیزی که نصیب کارگران شد یک مشت وعده توخالی در آینده‌ای نامعلوم در ازای پایان یافتن اعتصاب بود!

کارگران خوشبختانه فریب این بازی را نخوردند و پایان دادن به اعتصاب شان را منوط به اجرای خواسته هایشان کردند.

آیا نمایندگان مجلس "خودی ها" و کمیسیون اجتماعی مخالف سیاستهای ضد کارگری دولت و خصوصی سازی ها هستند؟

پاسخ یقیناً منفی است!

ممکن است تک و توکی از نمایندگان مخالفتهایی با نحوه خصوصی سازی و انتقاداتی هم به برخی سیاستهای کارگری دولت داشته باشند، ولی اکثریت بزرگ مجلس اعم از اصولگرا و اصلاح طلب و به اصطلاح اعتدالگرا جمعیا با این سیاستها موافق و در تنظیم و تصویب و اجرای شان نقش داشته اند. آنها اگر گاهی در اختلافات کارگری کارفرمایی می خواهند نقش میانجی را بازی کنند مطمئناً ولو اینکه اطمینان داشته باشند حق به جانب کارگر است، طرف صاحبان سرمایه و قدرت را که نمایندگی شان را مدیون آنها هستند خواهند گرفت! تنها در یک صورت است که نمایندگان چنین مجالسی ممکن است اندکی با کارگران همراهی نشان دهند و آن زمان وقتی است که ببینند با یک فشار تهدیدآمیز از جانب کارگران روبرو هستند و اگر کوتاه نیایند منافع بزرگترشان به مخاطره می افتد.

اعتصابات بسیاری تا کنون در هفته تپه انجام گرفته‌اند. اعتصابات طولانی همراه با همبستگی در سطح مناسب. اعتصابی که هم اکنون وارد چهارمین هفته خود شده است، نمونه برجسته‌ای از رشته اعتصابات است که در هفته تپه انجام گرفته‌اند. تا قبل از این اعتصاب نه نماینده اهواز، نه کمیسیون اجتماعی مجلس "به استثنای یک مورد که نتیجه آن هم به ضرر کارگران بود"



در صدد میانجیگری بر نیامده بودند و بطور کلی نسبت به بی عدالتی های که در حق کارگران از طرف حکومت و کارفرمایان مدافع حکومت میشد و می شود عکس العملی نشان نمی دادند. اینکه چرا اکنون به فکر "رسیدگی" به حال و روز کارگر افتاده اند دو دلیل بیشتر ندارد. دلیل نخست احساس خطر است که از بابت به مخاطره افتادن منافع سرمایه داران حاکم از طریق این اعتصابات دارند، و دلیل دیگر آن نزدیکی انتخابات مجلس شورای اسلامی "خودی ها" است که با تحریم کم سابقه مردم و بیشتر از همه کارگران مواجه خواهد شد. آنها تلاش می کنند با این مانورها شرکت در انتخابات و مجلس را فایده مند به حال کارگران و مردم جا بزنند بلکه اراده ای را که برای تحریم بوجود آمده تضعیف کنند.

اعتصابات کارگری همچنان گسترده و در حال گسترش هستند. یکی از خواسته های اصلی و آماج های این اعتصابات لغو خصوصی سازی ها و به واقع توقف و بازگرداندن اموال غارت شده مردم از غاصبان آنها و عودتشان به مردم است. با این همه می بینیم که مقامات دولتی و حکومتی همچنان بر طبل خصوصی سازی می کوبند. در همین هفته و در اوج اعتراضات علیه خصوصی سازی، می بینیم که، وزیر صنعت، روحانی، و مقامات ارشد وزارت کار، هر سه بر ادامه و تسریع روند خصوصی سازی تاکید می کنند. جناح اصولگرا هم که بعضا در برخی از ارگان هایشان تظاهر به مخالفت با خصوصی سازی و "دلسوزی" به حال و روز کارگران می کنند، دروغ می گویند آنها حداقل با اصل خصوصی سازی و مقررات زدایی از بازار کار به سود صاحبان سرمایه اختلافی با دولت ندارند. اختلاف اصلی آنها با طرفداران روحانی بر سر تصاحب اموال عمومی است.

اینکه روحانی و دولتی ها این همه بر ادامه سیاست مخرب خصوصی سازی و تسریع آن اصرار می ورزند بخاطر این است که می خواهند تا اختیار قدرت دولتی را در دست دارند باقی مانده واحدهای تولیدی را بین نزدیکان و وابستگان سیاسی خودشان تقسیم کنند چون می دانند که قدرت اقتصادی با خود قدرت سیاسی همراه می آورد و قدرت سیاسی هم قدرت اقتصادی!

با این اوصاف نه مجالس جمهوری اسلامی، نه دولتها و نه حکومت، هیچ کدام بطور داوطلبانه گامی در راستای درخواست های کارگران بر نخواهند داشت و ای چه بسا فشار به نیروی کار و زحمت را هم بیشتر کنند که اگر وضع فعلی ادامه پیدا کند خواهند کرد.

اعتصابات بدون چون و چرا مهمترین و کارآمدترین وسیله مبارزاتی برای طبقه کارگر است. هیچ چیز نمی تواند جای آن را پر کند. اما در شرایط کنونی کشور با اعتصابات در اینجا و آنجا شاید بتوان به پاره ای از خواسته ها رسید، ولی رسیدن به خواسته های اساسی تر و باز پس گیری حقوق سندیکایی و دستاوردهای مبارزاتی گذشته، بدون سراسری کردن اعتصابات و سازماندهی سراسری نیروی کار و مبارزه توأم علیه نهادهای قدرت میسر نیست.

مبارزه پارلمانی در صورتی می تواند به پیشبرد مطالبات کارگران یاری رساند که اتحادیه و احزاب کارگری حق فعالیت آزاد و دادن کاندیدا از میان خود را داشته باشند و بتوانند نمایندگان شان را به پارلمان بفرستند.

مجلس کنونی هم چنان که اشاره شد، مجلسی که تنها اعوان و انصار نظام و سرمایه داران طرفدار آن حق حضور در آن را دارند. به تبع آن کمیسیون های چنین مجلسی نیز همه در خدمت اهداف و سیاستهای نظام حاکم قرار دارند. هیچ حزب و اتحادیه کارگری که از حق فعالیت آزاد برخوردار باشد و بتواند نماینده به مجلس بفرستد و یا کسی که برآستی مدافع حقوق کارگر باشد نه در مجلس فعلی حضور دارد و نه اگر وضع به همین منوال پیش برود در مجالس آتی می تواند حضور پیدا کند. یکی از کارگران هفت تپه که گویا جز نمایندگان دیدار کننده با اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس بوده است، گفته است "با سیاست کاری نداریم، تنها خواستار بازنگری در خصوصی سازی هستیم" احتمالا منظور ایشان از این گفته جدا کردن حساب نمایندگان کارگران از حساب نمایندگان فرصت طلبی است که می خواهند نقش رفیق قافله و شریک دزد را در این ماجرا بازی کنند و نا امیدی از این کمیسیون بوده است. زیرا خود گفته این کارگر عین سیاست است! آری اتفاقا کارگر باید و مجبور است برای دفاع از منافع اش در سیاست دخالت بکند و ابزار آنرا هم که حزب و اتحادیه است بوجود آورد. در آن صورت است که می تواند بهتر و موثرتر از حق و حقوق اش مراقبت کند. در مبارزه پارلمانی هم زمانی که امکانش وجود داشته باشد باید شرکت کند، و اگر شرایط اش مهیا نیست برای مهیا کردن آن باید مبارزه کند. بطور مشخص در مقطع کنونی تحریم انتخابات همراه با گسترش اعتصابات و تلفیق این دو یک سیاست تاکتیکی و کنشی ایجابی و موثر می تواند باشد. اگر کارگر بخواهد در معادلات سیاسی و اقتصادی به حساب بیاید و حق و حقوق اش مد نظر قرار گیرد، حتما باید در سیاست فعالانه شرکت داشته باشد!

از مبارزه عادلانه کارگران هفت تپه حمایت کنیم!



استراتژیهای اتحادیه های کارگری معطوف به کار نامتعارف

اما سروینو

مرکز اسپانیایی مطالعات تخصصی در علوم اجتماعی



عواقب گسترش کار نامتعارف بر ظرفیت اتحادیه ها برای نمایندگی کارگران: یک بازنگری انتقادی

هدف اتحادیه های کارگری دفاع از طبقه کارگر به مثابه یک کل است (1). طبق تحقیقات موجود در باره اتحادیه های کارگری، در خلال دهه های منتهی به بحران اقتصادی سالهای 70 قرن گذشته، وضع اقتصادی و سیاسی کار اتحادیه ها را در نیل به هدف تسهیل می کرد. از این منظر، یکی از فاکتورهای اقتصادی که در تحقیقات گفته شده بر آن تأکید می شود، نقش سیستم تولیدی فورد است. این سیستم اساساً مناسب تولید انبوه با روالی ثابت و تولیداتی استاندارد از طریق تقسیم کار به وظایف بسیار ساده است. در این سیستم تعداد بسیاری کارگر ساده در کارخانه های بزرگ به کار گرفته می شدند. یکنواختی در شرایط کار و در بین کارگران، شرایط را برای اتحادیه ها نیز تسهیل می کرد تا سیاستهایی را برای نیروی کار به عنوان یک کل تدوین کنند و پیش ببرند، و حس و آگاهی طبقاتی نسبت به کار جمعی را در میان کارگران اشاعه دهند و تقویت کنند.

تا دهه 70 رشد اقتصادی یک گرایش عمومی تقریباً در تمام کشورهای پیشرفته بود. این واقعیت نیز کار اتحادیه ها را برای آن که منافع متضاد را با رویکردی توزیعی با هم آشتی بدهند، ساده می کرد. کارگرانی که دستمزدهای خوبی هم دریافت می کردند، می توانستند بدون دغدغه نسبت به شرایط کار دیگر کارگران خواهان افزایش دستمزدهای شان شوند.

مهمتر این که وضع سیاسی نیز برای اتحادیه وضع مساعدی بود. کار اتحادیه های کارگری در آن دوره از تصدیق و تأیید دولتها برخوردار بود و به عنوان عنصری حیاتی در حفظ سیاستهای اقتصادی کینزی نگریسته می شد. به همه این دلایل، اتحادیه های کارگری از این وضع مساعد برای پیشبرد سیاستهایی به نفع طبقه کارگر به مثابه یک کل بهره می بردند.

اما وضعیت اقتصادی تازه ای که به دنبال بحران نفت در آن دهه پدید آمد، کار را برای اتحادیه های کارگری در دفاع از کل طبقه کارگر بسیار دشوار کرد. مدل فوردی به اوج بحران رسیده بود. این سیستم تولیدی صلیبیتی را در بازار کار ایجاد کرده بود که تحرک شرکتها را برای انطباق با تغییرات بازار محدود می کرد. در نتیجه و از آن پس نیاز عاجلی به ابداع اشکال آلترناتیو تولید که بتوانند به سرعت به نوسانات اقتصادی واکنش نشان دهند، بر تولید مسلط شد. "انعطاف" خود را به عنوان شاخص اصلی که سیستم تولید باید داشته باشد، تثبیت کرد. زیر این کلمه توانائی مؤسسات سرمایه داری برای تجدید سازماندهی خود با پاسخ سریع به نوسانات اقتصادی در پیرامون آنها (2) فهمیده می شد. طبعاً در تمام زمانها شرکتها ناگزیر به انطباق با اوضاع متغیر بوده اند، اما تجربه ویژه دهه های 70 و 80 قرن گذشته آشکارا به شکل گرفتن تلقی و انتظاری عمومی انجامید که گویا تلاطمات و نوسانات نااطمینانی ها در بازار کار وجهی دائمی از حیات اقتصادی آینده قابل پیش بینی را تشکیل می دهند.



اهمیت این وضعیت جدید این است که معیارهای مختلفی برای سنجش و ثبت انعطاف سیستمهای تولیدی ابداع شده اند. این کیفیت کار را برای اتحادیه ها برای آن که به وظیفه شان در نمایندگی از کارگران عمل کنند، به شدت دشوار کرده است. برخی از محققان به این نکته اکتفا می کنند که اشکال جدید تولید نقش و تأثیر اتحادیه های کارگری را در محیطهای کار تضعیف کرده و نوعی فرهنگ ضد اتحادیه ای را در میان کارفرمایان به بار آورده است. با این حال قدرت اتحادیه های کارگری در نتیجه تغییر در ترکیب نیروی کار نیز، که این خود ناشی از اعمال "انعطاف" است، کاستی گرفته است. آنچه می دانیم پشتیبان اصلی اتحادیه های کارگری کارگران مرد بقیه آبی در استخدام استاندارد (یعنی استخدام تمام وقت و دائمی) بوده اند. این در حالی است که در کشورهای اروپا افزایش قابل توجهی را در شمار کارگران با کار نامتعارف، یعنی انواع مشاغل موقت و پاره وقت، شاهد بوده ایم. این انواع مشاغل جدید گویای وجود کارگرانی با شرایط کار متفاوت، با مطالبات و نیازهای جدید اند: کارگرانی که با پشتوانه سنتی اتحادیه ها متفاوت اند. همچنین تمرکززدایی از تولید در شرکتهای بزرگ و روی آوردن به شرکتهای کوچک به پراکندگی بیشتر کارگران انجامیده است. به طور معمول نایم ترین مشاغل در شرکتهای کوچک متمرکز شده اند، در حالی که کارگران به شرایط کار نسبتاً پذیرفتنی در شرکتهای بزرگتری به استخدام درآمده اند. این واقعیت وضع را برای اتحادیه برای آن که بتوانند به نمایندگی از کارگران برخیزند، بسیار دشوار کرده است؛ خاصه در کشورهایی که اتحادیه های کارگری از قدرت بسیار محدودی در شرکتهای کوچک برخوردارند.

(۱)- اتحادیه های "خودغرض" (کورپوراتیست) منحصراً از منافع گروه خاصی از کارگران دفاع می کنند. این دست اتحادیه ها در این تحقیق منظور نشده اند.

(۲)- در باره معنای "انعطاف" انبوهی نوشته انتشار یافته است. پرنفوذترین رویکرد به موضوع انعطاف کار همانی است که در آثار اقتصاد کلاسیک صورت گرفته است. طبق این رویکرد بازار کار زمانی منعطف است که در مواجهه با تغییر در عرضه یا تقاضای کار، تعادل مجدد را با تعدیل دستمزدها و شرایط استخدامی تحقق بخشد! بنابراین مدافعان این رویکرد از چنان سیستم تولیدی دفاع می کنند که اجازه دهد دستمزد و دیگر حقوق کار در هماهنگی با بازار نوسان کنند.



**همه با هم علیه سرکوب فعالین کارگری و حقوق سندیکایی کارگران
مبارزه کنیم!**



بیکاران ایران، متحد شوید! مراد رضایی



سال گذشته، اعتراضات کارگری در قالب اعتصابات و تجمعات، چه از نظر کمی و چه از حیث کیفی وضعیت ویژه‌ای داشت. صدها اعتراض کارگری و معیشتی مختلف توسط کارگران صنعتی و کشاورزان و اعتصاب سراسری چند باره توسط رانندگان کامیون و معلمان، تنها بخش‌هایی از اعتراضات بودند که در خبرها دیده شدند. سیاست تبلیغاتی چهل ساله جمهوری اسلامی، در نفی وجود هر گونه معضل و بحران، هنوز هم به راه است. بنابراین اطلاعات ما از اعتراضات کارگری شامل آن بخش از اعتراضات که خبری نشدند و همچنین آن اعتراضاتی که با تهدید و بازداشت کارگران پیشرو، مجال انجام نیافتند نمی‌شود.

اما همین روزنه‌های خبری که به مدد ابزارهای مجازی و اینترنت، غیر قابل انسداده هستند، هر ناظر منصفی را از وجود یک بحران عمیق اقتصادی، و متعاقب آن یک بحران معیشتی لجام گسیخته آگاه می‌کند. بحرانی که ظاهراً حکومت نه توان و نه تمایل کنترل آن را ندارد و نسخه‌های درمانی نفولیبالیستی، تنها موجب تعمیق بحران خواهد شد.

اعتراضات کارگری در سال جاری نیز، با شمایل دیگری در حال پیگیری هستند. پیگیری اخبار اعتراضات ما را از سه تفاوت عمده‌ی کارگران و اعتراضاتشان در سال جاری با سال گذشته آگاه می‌کند.

اول اینکه سال گذشته کفهی سنگین اعتراضات، در اعتراض به معوقات مزدی بود. کارگرانی که ماه‌ها دستمزد عقب افتاده داشتند، در قالب اعتصاب و تجمع، اعتراض خود نسبت به وضعیت پیش آمده را مطرح می‌کردند. اما اعتراض به «بیکار سازی» در سال جاری، رقم بزرگتری را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع واحدهایی که سال گذشته در آستانه‌ی ورشکستگی و تعطیلی بودند، امسال ورشکسته و تعطیل شده‌اند و کارگران به این امر معترض هستند. خصوصی‌سازی و تحریم دو دلیل عمده‌ی ورشکستگی‌های یاد شده بوده است. اما دولت، افزایش شیب خصوصی‌سازی را برای حل مسائل پیش آمده در دستور کار دارد.

دوم اینکه در سال گذشته، ما بیشتر شاهد اعتراضات سراسری معیشتی بودیم. سه نوبت اعتصاب عمومی رانندگان کامیون، دو نوبت اعتصاب سراسری معلمان، چند نوبت اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، چند نوبت اعتراضات سراسری کارگران شهرداری و همچنین چند اعتصاب متحد میان کارگران مخابرات، تنها بخش‌هایی از این اعتراضات به هم پیوسته بود. اعتراضاتی که می‌توانستند در اتصال به یکدیگر و در قالب اتحاد کارگری منجر به تحولات عمیق سیاسی بشوند اما بازداشت گسترده‌ی نفرات پیشروی کارگری و همچنین تلاش نهادهای امنیتی برای در هم شکستن اتحادها و برنامه‌های مشترک، ظاهراً این قابلیت را از اعتراضات کارگری سلب کرده است.

سوم اینکه، مساله‌ی حوادث کار هر سال یک بخش بااهمیت در اخبار کارگری بوده است. اما تعدیل نیروی کار در واحدهای مختلف از یک سو و تغییر در ساختار ماشین‌آلات صنعتی به نحوی که بتوان از کمترین کارگر بیشترین بهره‌وری را به دست آورد، سبب شده است در سال جاری، قربانیان حوادث کار به شکل چشم‌گیری بیشتر از سال گذشته باشد. روزی نیست که ما با خبر کشته و زخمی شدن کارگران مواجه نباشیم.

بنابراین جنگ بر سر نان، در سال جاری پیچیده‌تر و البته خونین‌تر است. از طرف دیگر نیروهای بیکار جامعه به شکل گسترده‌ای افزایش پیدا کرده‌اند و به آمار جوانان جویای کار اضافه شده‌اند. افزایش تعداد کارگران بیکار، توازن را در بازار کار به هم می‌ریزد. به این صورت که کارفرما خود را ملزم به رعایت قانون کار، پرداخت حداقل حقوق مصوب و همچنین بیمه‌ی کارگران نمی‌بیند. چرا که



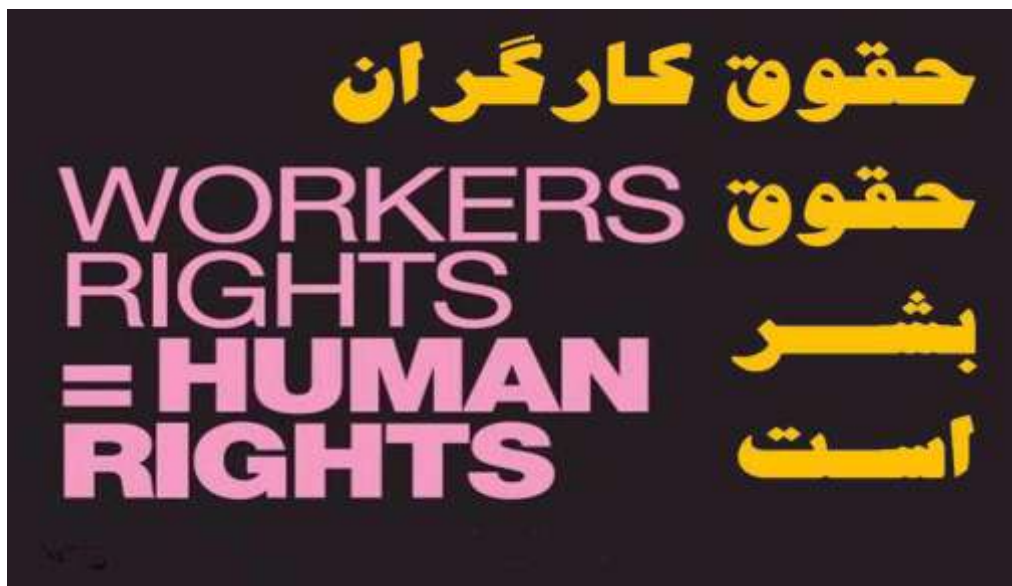
نیاز به کار و عرضه نیروی کار در بازار کار به حدی افزایش یافته است که کارفرما می‌تواند از میان هزاران گزینه‌ی در دسترس، افرادی که با شرایط مورد نظرش توافق دارند را انتخاب کند.

کارفرمایان در این گزینش‌ها، از نسخه‌هایی گاه عجیب و غریب استفاده می‌کنند. برای شغلی مثل پخش تراکت تبلیغاتی، مدرک تحصیلی زیر لیسانس را قبول نمی‌کنند. کف شرایط سنی را به زیر بیست و چهار سال کشیده‌اند، از کارگر تعهد می‌گیرند که هرگز حق اعتراض به هیچ تصمیمی را ندارد و نسخه‌های مشابه. شرایطی که گاهی صرفاً نشان دهنده اختلالات و عقده‌های شخصیتی کارفرماست و واقعاً تاثیری در شغل مورد ارائه ندارد. شرایط برای زنان دشوارتر نیز هست. متأسفانه همیشه مواردی از سو نیت و خواسته‌های غیر اخلاقی کارفرمایان از زنان گزارش می‌شود.

نکته‌ی قابل توجه در این زمینه، همدستی نهادهای امنیتی با بخش خصوصی در سخت‌تر کردن گزینش‌هاست. فرم‌های استخدام در مجموعه‌های خصوصی بزرگ حاوی سوالاتی هستند که فرم استخدام را بیشتر به برگه‌ی بازجویی شبیه می‌کند. نظر شما در مورد فقر چیست؟ چه گرایش سیاسی‌ای دارید؟ آیا تا به حال عضو گروه سیاسی‌ای بوده‌اید؟ در میان اعضای خانواده، عضوی از گروه‌های سیاسی وجود دارد؟ تاکنون سفر خارجی داشته‌اید؟ و سوالاتی از این دست روزانه از هزاران نیروی جویای کار پرسیده می‌شود و احتمالاً وارد آرشیوهای اطلاعاتی نهادهای امنیتی می‌شود.

روشن است در وضعیتی که حتی کارگران شاغل در یک کارخانه به سختی می‌توانند متشکل شوند و به وضعیت اعتراض کنند، تشکلیابی و اعتراض بیکاران بسیار دشوار خواهد بود. اما وقتی که واحدهای صنعتی و کشاورزی به صورت روزمره تعطیل می‌شوند و سرمایه‌داران بازی‌های پر سود تجاری را به تولید ترجیح می‌دهند، متشکل شدن و اعتراض بیکاران، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

یافتن راه برای تشکلیابی بیکاران، تعیین شعارها و مطالبات و تعیین شکل‌های اعتراضی آن، وظیفه‌ای سنگین بر دوش فعالان کارگری است. وظیفه‌ای که احتمالاً خواهد توانست سد رکود در جنبش کارگری را در هم بشکند



از مبارزه عادلانه کارگران هیچکس حمایت نکنیم!



با دروغ و جعل آمار واقعیت ها تغییر نمی کنند! صادق



روزنامه آفتاب یزد در ۲۲ مهرماه گزارشی از نشست خبری روحانی با خبرنگاران را منتشر کرد. روحانی در قسمت هایی از این مصاحبه مفصل که علاوه بر خبرنگاران رسانه های داخلی خبرنگاران خارجی هم در آن حضور داشتند، در یک دروغ آشکار و بیشمارانه بار دیگر جنبش دی ۹۶ را ساخته و پرداخته رقبای حکومتی اش و کشورهای خارجی و وضعیت کنونی و تحریم های اقتصادی را پیامد جنبش دی خواند.

او در ادامه مدعی شد که قبل از شروع این جنبش که البته او آنرا 'دسیسه' می خواند، گویا همه چیز بخوبی در حال پیشرفت بوده است و آن جنبش نه بر بستر سیاستهای ضد مردمی حکومت و دولت، بلکه بر اثر دسیسه بیگانگان و خودی های نادان خلق شده است (و لابد با این استدلال سرکوب کردن اش هم به حق بوده است).

روحانی برای اینکه روی عواقب سیاستها و عملکرد حکومت و دولت اش سر پوش بگذارد چاره ای هم جز گفتن این اباطیل نداشت.

رئیس جمهور البته در مصاحبه خود دروغ های دیگری هم در مورد بهبود شاخص های اقتصادی کشور گفت و تلاش نمود با دادن آمار و ارقام جعلی از وضعیت اشتغال، تولید و تورم تصویری خلاف واقعیت از آنچه در این عرصه ها جریان دارد به خورد خبرنگاران و مخاطبان مصاحبه اش بدهد. روحانی مدعی کاهش بیکاری و رکورد ایجاد اشتغال در تابستان سال جاری شد، از کاهش تورم نقطه به نقطه و مثبت شدن رشد اقتصادی از اوایل سال جاری خبر داد. قبل از این البته بعضی از این آمارها توسط برخی مسئولین داده شده بود اما با تمسخر مردم و کارشناسان روبرو شد. این بار نیز یکی دو روز بعد از مصاحبه روحانی گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران در تلویزیون بی بی سی فارسی منتشر شد که خلاف آمارهای روحانی بود. بعنوان نمونه در گزارش بی بی سی نه تنها خبری از رشد اقتصادی ادعایی روحانی نیست بلکه شاخص رشد اقتصادی منفی بیش از ۹ درصد عنوان شده است. روحانی در قسمت دیگری از مصاحبه اش مدعی افزایش ارزش پول ملی و کاهش نرخ برابری ارزهای خارجی در مقابل ریال می شود و آنرا به حساب بهبود وضعیت اقتصادی و لایه موفقیت عملکرد دولت اش می گذارد. اما او نمی گوید وقتی که او دولت را در دست گرفت نرخ مبادله تومان با دلار حدود ۳۴۰۰ تومان بود و هم اکنون حدود ۱۱۵۰۰ تومان است و در واقع ارزش پول کشور در دوران ریاست جمهوری وی ۳ برابر سقوط نموده و این سقوط چه عمدی و چه ناخواسته و نتیجه سیاستهای پولی دولت باشد چه بلایی بر سر مردم و تولید آورده است!

با این حال هم خبرنگاران و هم اکثریت مخاطبان روحانی که همه روزه شاهد و ناظر اوضاع اقتصادی کشور هستند و با تمام وجودشان اثرات آن را در زندگی شان لمس و تجربه کرده اند و می کنند، از بی پایه بودن ارقام و آمارهایی که او ارائه داد اطلاع کافی دارند.



از نظر مردم جنبش مردمی دی نه "دسیسه" و ساخته و پرداخته یک جریان حکومتی و بیگانگان، بلکه جنبشی اصیل و مردمی علیه استبداد و بی عدالتی و کنشی بود در مقابل سیاستهای حکومت. روحانی از آن روی چنین اتهاماتی را به جنبش دی، وارد می کند چون سیاستهای اقتصادی اجتماعی حکومت و دولت روحانی را با هم هدف قرار داده بود. او همچنین تلاش می کند تقصیر شکست سیاستهای دولت اش را به گردن جنبش ها و اعتراضات مردم به جان آمده از آنها بیندازد و سرکوب خونین جنبش دی و اعتراضات مسالمت آمیز کارگری را توجیه کند. ادامه و گسترش اعتراضات کارگری و مردمی پس از سرکوب جنبش دی و روی گردانی فزاینده مردم از جناح های حکومتی خود بهترین پاسخ زحمتکشان به اباطیل روحانی است.

کارگران آذرآب، هفت تپه، هپکو... و دانشجویان دانشگاه تهران در این هفته در اعتصابات و تظاهرات شان همان خواسته هایی را مطرح کردند که بخشی از مطالبات جنبش دی ۹۶ بودند. از زمان سرکوب جنبش دی هفته ای را نمی توان یافت که چندین اعتراض و اعتصاب مشابه این هفته در آن رخ نداده باشد. مادامی که استبداد و ظلم و بی عدالتی باقی است، اعتراض و جنبش هم هست و نه با سرکوب و زندان، نه دروغ و جعل آمار هیچ دولتی قادر به از میان برداشتن شان نیست!



کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!



گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید! (۱) - بخش هفتم

فهم نقشه راه - تقویت دموکراسی در ساختار درونی اتحادیه

تامارا گاسی

ترجمه گودرز



تقسیم برابر امکانات کافی نیست، ما باید قدرت را عادلانه به اشتراک بگذاریم - ادامه دارد

تجربه تونس

اتحادیه عمومی کارگران تونس UGTT، اخیراً پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای در وادی مشارکت زنان در رهبری اتحادیه‌ها داشته است. کنگره بیست و سوم اتحادیه که در تاریخهای ۲۲-۲۵ ژانویه ۲۰۱۷ برگزار شد برای نخستین بار سه تن از بانوان را به عضویت شورای رهبری برگزید. سیهم بوسا، جانشین دبیرکل در امر آموزش و روابط بین الملل در اتحادیه عمومی کارگران تونس، و یکی از اعضای کمیسیون عالی زنان در کنگره جهانی اتحادیه‌های کارگری ITUC می‌نویسد: "این پیروزی پس از هفتاد سال مبارزه مستمر برای رسیدن به حق برابر در اتحادیه ما به دست آمد."

نعیمه همایی اولین عضو شورای ملی رهبری UGTT به عنوان نخستین نایب دبیرکل زن کنگره برای مناطق عربی، روابط بین الملل و امور مهاجرت انتخاب شد. به علاوه دو سکو نیز به زنان در کمیته‌های UGTT داده شد. فذیه املیتی به کمیته ملی مقررات داخله و حمیده اکرپ عضویت کمیته ملی در نظارت مالی و اداری کنگره ملی کارگران تونس برگزیده شدند.

بوسا می‌نویسد: "این پیشرفتهای حاصل روشهای نوینی بود که در کنگره ۲۳ معرفی و به تصویب رسید"، که اشاره به متمم اساسنامه UGTT برای لزوم نقش زنان در رهبری کنگره متحد کارگران دارد. متمم ماده ۳ اساسنامه حالا سهمیه زنان را در کمیته اجرایی الزامی کرده است و مقرر داشته است که حداقل دو نفر از زنان در هیئت مدیره تمامی اتحادیه‌های عضو از سطوح محلی تا ملی باید حضور داشته باشند.

این سهمیه بندی عمیقاً صحنه عملی در اتحادیه‌های صنفی را تغییر داد، و اجازه داد که برابری و عدالت در نمایندگی اعضا در سطوح تصمیمگیریهای مدیریتی رعایت شود. در این وجه اتحادیه‌ها تازه دارند با تغییرات عمیقی که جامعه سیاسی تونس بعد از انقلاب در امر برابری و حمایت از حقوق زنان به دست آورد همراه می‌شوند. قانون اساسی تونس مانع از اعمال تبعیض علیه زنان است و خشونت خانوادگی جنسیتی نسبت به زنان را ممنوع ساخته است. متمم‌های پیشنهادی جدیداً حقوق برابر در ارث برای زنان را نیز به رسمیت شناخته است. تونس بیشترین تعداد نمایندگان زن در پارلمان را در بین تمام کشورهای همجوار دارد. در ماه ژوئن سواد عبدالرحی ماولین نماینده زن عرب بود که به شهرداری تونس یا پایتخت تونس انتخاب شد. گرچه انتخاب همایی به رهبری اتحادیه سراسری یک پیروزی بزرگ است اما بوسا معتقد است که این تازه آغاز راه است. او می‌گوید: "ما به نعیمه همایی به خاطر کیفیت و کنشگری مترقی و دموکراتیک او اعتماد داریم. ما باور داریم که او صدای زنانی را که تحت انواع ستمها و خشونتها قرار دارند و از منافع دنیای کار محروم می‌شوند با قدرت منعکس خواهد کرد." با این وجود بوسا در عین حال به ما هشدار می‌دهد: "تعهد نعیمه همایی و رفقاییش در هیئت دبیران UGTT برای برابری بی زنان و مردان یک چالش کارگری است و نه یک نبرد شخصی. ما نمی‌توانیم یک دموکراسی واقعی و یا ثبات اجتماعی داشته باشیم وقتی که با زنان به عنوان نیمی از کل جامعه مانند شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود."



گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی ITUC-
https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf



همه با هم برای آزادی فعالین و حامیان کارگری از زندان مبارزه کنیم!



مبارزه برای تشکیل سندیکاهاى مستقل کارگری را تشدید کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



ادامه اعتصاب در هفت تپه، آذرباب و شرکت حمل و نقل خلیج فارس، بازگرداندن موقت کارخانه هیپکو به بخش دولتی و فعالیتهای که در ارتباط با آنها انجام شد، اعتصاب کارگران خدماتی شهرداری کلاله، گران شدن نان و ثابت ماندن دستمزدها، مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

اعتصاب کارگران مبارز و حق طلب هفته تپه در این هفته نیز به رغم انواع تهدیدات و دسیسه های که از طرف مسئولین دولتی و کارفرما برای درهم شکستن آن به اجرا درآمد، همچنان ادامه یافت و وارد چهارمین هفته خود شد. کارگران اعلام کردند که روی همه خواسته های شان هستند و دیگر حاضر به مذاکره با کارفرما نیستند. مسئولین دولتی و قضایی در محل به همراه کارفرما تلاش کردند با وعده پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران را به گذشتن از بقیه مطالبات شان و پایان دادن به اعتصاب راضی کنند. اما کارگران با وجود آزاد کردن تعدادی از همکاران زندانی شان زیر بار نرفتند. تا لحظه تهیه این گزارش اعتصاب همچنان ادامه دارد و کارگران روی همه مطالباتشان ایستاده اند. لغو خصوصی سازی، پرداخت دستمزدهای معوقه، آزادی همه کارگرانی که در جریان اعتصاب کنونی و پیشین زندانی شده اند و بازگشت به کار کارگران اخراجی خواسته های کارگران اعتصابی است. این اعتصاب و فعل و انفعالات پیرامون آن حاکی از ارتقا کیفی سطح مبارزات کارگری است. در واقع طبقه کارگر برای باز پس گرفتن دستاوردهای گذشته خودش و تحمیل مطالبات حق طلبانه اش به حاکمیت ظالم و سرمایه داران حریص و استثمارگر راه موثرتری به غیر از تدوام و گسترش اعتصاب و اعتراض پیش روی ندارد و این واقعیتی است که کارگران هیپکو نیز مانند سایر کارگران آن را لمس و درک کرده اند و در اعتصابات و مقاومت های شان آن را منعکس می کنند. اعتصابات و مقاومت هایی که هم نویدبخش و هم الهام آور هستند!

گسترش اعتصاب در آذرآب

اعتصاب همراه با تظاهرات خیابانی کارگران آذرآب در این هفته نیز با قوت و ایستادگی کارگران روی مطالبات شان که مشابه مطالبات کارگران هفت تپه و هیپکو است ادامه یافت. کارگران که در هفته گذشته در محوطه کارخانه محصور شده بودند، توانستند با گذشتن از محاصره نیروهای سرکوبگر دامنه اعتصاب شان را به میان خیابانهای شهر و مردم بکشانند. آنها در ادامه اعتراضات شان ریل راه آهن را نیز برای ساعاتی اشغال نمودند. در واکنش به این اقدام کارگران، علی آقازاده، استاندار استان مرکزی، مجبور به آمدن به میان کارگران و دادن گزارش از اقداماتی داد که در ارتباط با مطالبات کارگران توسط مسئولین در حال پیگیری است. نتیجتاً کارگران به اشغال خط راه آهن پایان دادند ولی حاضر به پایان دادن به اعتصاب شان نشدند. تا لحظه تهیه این گزارش اعتصاب کارگران آذرآب همچنان ادامه دارد و نتیجه بررسی مطالبات کارگران توسط مسئولین اعلام نشده است.

اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس

اعتصاب کارگران در شرکت حمل و نقل خلیج فارس که از مدتی پیش پس از خصوصی سازی این شرکت و تصمیم مدیریت به تغییر قراردادهای کاری دائم به پیمانی شروع شده بود، دوباره در این هفته به دلیل خلف وعده پیشین مدیریت مبنی بر لغو این تصمیم و تعدیل ۵۰ نفر از کارگران از سر گرفته شد. گفته می شود این شرکت یکی از با رونق ترین شرکتهای واگذار شده است



که درآمد و سود زیادی داشته و دارد. بنا بر این تنها دلیل عمده تبدیل قراردادهای کاری کارکنان ثابت این شرکت زیاد خواهی مالکان خصوصی آن است. کارفرما با این اقدام در واقع بخشی از حقوق و دستمزد کارگران را قطع و به سود خود اضافه می کند.

کارگران در این هفته با برگزاری چند تجمع در مقابل استانداری تهران، فرمانداری اسلامشهر و مراجعه به دادسرای عمومی انقلاب تهران، خواستار رسیدگی مسئولین به خواسته های شان شدند. تا لحظه تهیه این گزارش خبری از نتایج این اعتصاب و پاسخ مسئولین نهادهایی که کارگران برای دادخواهی به آنها مراجعه کرده اند در دست نیست. با این حال نظر به سوابق چنین مراجعاتی بعید است که مسئولین ذیربط در این خصوص اقدامی جزء تأیید اقدام کارفرما انجام دهند. کارگران می گویند: "...شرکت های پیمانکاری هیچگونه خدماتی در ازای سودی که عایدشان می شود، ارائه نمی دهند... حضور پیمانکاران در شرکت حمل و نقل جادهای خلیج فارس جدا از بی ثباتی شغلی، سود دیگری برای کارگران شاغل آن ندارد. چه دلیلی برای واسطه گری یک شرکت پیمانکاری وجود دارد، آنهم وقتی که می توانیم به طور مستقیم با شرکت اصلی قرارداد ببندیم و مزد و مزایای بیشتری داشته باشیم".

به نوشته "ایلنا" دادسرای انقلاب اسلامی در پی شکایت کارگران از فرمانداری اسلام شهر خواسته است به شکایت کارگران رسیدگی کند! حواله دادن کارگران به فرمانداری در حالی است که مراجعات تا کنونی کارگران به آن نتیجه ای برای کارگران نداشته است.

بازگرداندن هپکو به بخش دولتی نتیجه مبارزات کارگران است و کارگران نباید اجازه خصوصی شدن دوباره آن را بدهند!

بدنبال مبارزات کارگران هپکو، مسئولین دولتی جهت پایان دادن به اعتصاب کارگران این کارخانه، هپکو را به بخش دولتی برگرداندند. بازگرداندن هپکو به بخش دولتی که اساسی ترین مطالبه کارگران بود، با استقبال کارگران هپکو و آذربای که آنها هم خواستار لغو خصوصی سازی کارخانه شان هستند، روبرو شد. با این وجود تنها یک روز پس از اعلام این تصمیم و آرام شدن کارگران، یکی از مسئولین وزارت کار از خصوصی شدن دوباره این واحد بزرگ صنعتی خبر داد و بازگرداندن آن به دولت را موقتی اعلام کرد!

ظاهراً علت اینکه دادن این خبر بر خلاف معمول به یک مسئول وزارت کار داده شد بخاطر این بوده است که استاندار استان مرکزی حاضر به اعلام این خبر نبوده و مسئولین سازمان خصوصی سازی نیز بخاطر سوءاستفاده ها و اختلاس هایی که در جریان خصوصی سازیها مرتکب شده اند و نارضایتی شدیدی که کارگران از آنها دارند صلاح ندیده اند که خودشان در مورد خصوصی کردن دوباره هپکو اطلاع رسانی کنند. بازگرداندن هپکو در واقع نتیجه مبارزات متحدانه و پیگیرانه کارگران این کارخانه است. حال که کارگران تا این حد پیشرفت کرده اند، باید مانع از واگذاری مجدد کارخانه به اعوان و انصار حکومت شوند. کارگران می توانند با اعمال کنترل کارگری در کارخانه تولید و اشتغال در کارخانه را که به عمد از بین برده شده، احیا و سودآور کنند. مبارزه علیه خصوصی سازی که در واقع زیر این عنوان واحدهای استراتژیک تولیدی به غارت برده می شوند، مبارزه ای سراسری است که علاوه بر کارگران این واحدها گروه های اجتماعی عدالت خواه، امثال معلمان و دانشجویان نیز در این مبارزه متحد کارگران هستند. ایجاد هماهنگی میان این جریانها و جنبش ها برای متوقف کردن این روند مخرب و بازگرداندن اموال به تاراج رفته امری است درنگ ناپذیر. مبارزات مردمی و عدالت خواهانه گسترده ولی پراکنده است و همین پراکندگی و سازمان نایافتگی موجب می شوند که نئولیبرال های حاکم بتوانند سیاستهای ویرانگر و فقر آورشان را یکی بعد از دیگری که به سود منافع سرمایه داران و علیه حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان هستند به اجرا بگذارند!

این که گویا کارخانه های واگذار شده به علت سودآور نبودن مفت و مجانی به اعوان و انصار فاسد حکومت واگذار می شوند تا سودآور شوند و اشتغال ایجاد کنند، دروغ بزرگی است که ماهیت آن در عمل برای کارگران روشن شده است. هیچ سرمایه داری تا مطمئن نباشد سود نمی برد کارخانه ای را نمی خرد. و هنگامی که برای سرکوب کارگران کارخانه اش به آب و آتش می زند و حاضر نمی شود کارخانه ای را که مدعی است سودآور نیست پس بدهد، یقیناً سود می برد و سود خوب هم می برد. کارخانه ها را به جای دزدان و دلالان به کارگران واگذار کنید و مانع بر سر راه آنها ایجاد نکنید تا ببینید، که هم سودآور می شوند و هم اشتغال ایجاد می کنند!

اعتصاب یک هفته ای کارگران خدماتی شهرداری کلاله، پس از موافقت با خواسته هایشان پایان یافت.

اعتصاب کارگران خدماتی شهرداری کلاله در روز چهارشنبه این هفته پس از موافقت مسئولین دولتی و شهرداری این شهر پایان یافت. به نوشته "ایلنا" کارگران پایان دادن قطعی به اعتصاب شان را مشروط به انجام توافقاتی نموده اند که بین آنها و مسئولین شهرداری و فرمانداری انجام گرفته است!



تائید محکومیت دو فعال کارگری در دادگاه تجدید نظر

منابع خبری کارگری در این هفته خبر از تائید احکام ظالمانه دو فعال کارگری توسط بیدادگاه های انقلاب اسلامی دادند. بنا به گزارش این منابع دادگاه تجدید نظر احکام صادره دادگاه بدوی در مورد پروین مجددی و شاپور احسانی را تایید کرده است.

پروین مجددی به اتهام واهی "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بود و شاپور احسانی را نیز با اتهاماتی مشابه خانم پروین مجددی، "به ۶ سال حبس و ۲ سال تبعید به سیستان و بلوچستان محکوم شد. وی همچنین به عنوان مجازات تکمیلی به مدت دو سال از عضویت در احزاب، گروه ها و دسته جات سیاسی و اجتماعی محکوم شده است. این تجدید محاکمات به اتهاماتی که توسط دستگاه های امنیتی و قضایی جعل و ساخته و پرداخته شده اند، در شرایطی صورت می گیرند که قاضی القضاة جدید حکومت به حق بودن اعتصابات کارگری را تائید نموده و قول تجدید نظر در احکام صادره توسط دادگاه های تحت ریاست اش را داده بود. تائید چنین احکامی نشانه آشکار دیگری بر فریب کارانه و تو خالی بودن چنین تبلیغاتی است.

دستمزدها امسال افزایش پیدا نمی کند!

سر انجام پس از ماه ها جار و جنجال بر سر احیای ارزش از دست رفته دستمزدها توسط عوامل دولتی، مشخص شد که به رغم افزایش سرسام آور قیمت ها و تورم و همچنین افزایش ۲۳ تا ۵۰ درصدی قیمت نان، دولت حاضر به افزایش دستمزدها و حتا جبران قدرت خرید از دست رفته کارگران از طریق تسهیلات غیر نقدی هم نیست و پیشاپیش وعده افزایش ۱۵ درصد به دستمزدها در سال آینده را داد. رقمی که حتی کمتر از نصف نرخ تورم رسمی است! اعلام پیشاپیش دستمزد سال آینده آنهم قبل از تشکیل جلسه شورای عالی کار که علی الظاهر مسئولیت تعیین دستمزد سالیانه را دارد موید آن است که وقتی موضوع حق و حقوق کارگر در میان باشد، دولت به راحتی آب خوردن حتا قوانین خودشان را هم لگد مال می کنند. اما این همه ماجرا نیست. بر اساس طرح جدیدی که تهیه کرده اند، می خواهند در سال آینده همین مبلغ ناچیز به اصطلاح افزایش را به همه ندهند و آن را به اصطلاح بر اساس هزینه های زندگی در مناطق مختلف کاهش دهند. به راستی که ستمگری و استثمارگری و بی شرمی دولتمردان جمهوری اسلامی مرزی نمی شناسد. با چنین حکومتی جز مبارزه همه جانبه برای برکنار کردن اش از قدرت نه می توان سخن گفت و نه می توان به قول و قرارهایش اعتماد کرد! این است آن درس و تجربه ای که کارگران و مزدبگیران و سایر گروه های اجتماعی محروم شده از حق و حقوق شان از این حکومت فاسد و سرکوبگر آموخته اند!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



فعالین محیط زیست را آزاد کنید!